اشاره:
در سال ۱۳۹۱ جهان شاهد رویدادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهمی بود که بخشی از آنها در آینده منطقه و جهان تأثیر گذار بوده است.
یکی از این رویدادهای تأثیر گذار تکرار شکست تحقیر آمیز اسرائیل در جنگ ۸روزه غزه بود. اسرائیل در جنگ ۳۳روزه با حزب‌الله لبنان و جنگ ۲۲روزه با حماس نیز شکست سنگینی را متحمل شد و این شکست به قدری برای ارتش مجهز رژیم صهیونیستی تحقیر آمیز بود که به جابه‌جایی دولتمردان سیاسی و نظامی در داخل اسرائیل منجر شد.
به عقیده ناظران سیاسی منطقه دلیل عمده این شکست عبرت نگرفتن صهیونیست‌ها از اعجاز مقاومت اسلامی در منطقه بود. مقاومتی که در فلسطین، لبنان، سوریه، بحرین، عربستان و اردن شاهد آن هستیم و قطعاً در سال جدید درخت این مقاومت ثمر خواهد داد.
تداوم ناآرامی‌های سوریه و تلاش دولت دمشق برای شروع مذاکره با مخالفان، انتخاب محمد مرسی، اعطای جایگاه کشور، ناظر غیرعضو به فلسطین در سازمان ملل، بحران اقتصادی اروپا و آمریکا انتخاب پوتین و اوباما به عنوان رؤسای جمهور روسیه و آمریکا از دیگر رویدادهای مهم منطقه و جهان است.
باراک اوباما در دور دوم با چالش‌های تازه‌ای در داخل و خارج مواجه خواهد شد که صخره مالی یکی از آنهاست. کاهش بودجه ۸۵میلیارد دلاری و مخالفت جمهوریخواهان با افزایش مالیات از ثروتمندان اقتصاد آمریکا را در لبه پر تگاه قرار داده است و آثار آن از هم‌اکنون قابل مشاهده است.
بدون تردید صخره مالی هم اقتصاد آمریکا و هم اقتصاد دیگر کشورها را تحت تأثیر قرار خواهد داد طوری که رسانه‌های آمریکایی آژیر خطر بحران اقتصادی را به صدا در آورده‌اند.

سرویس خارجی

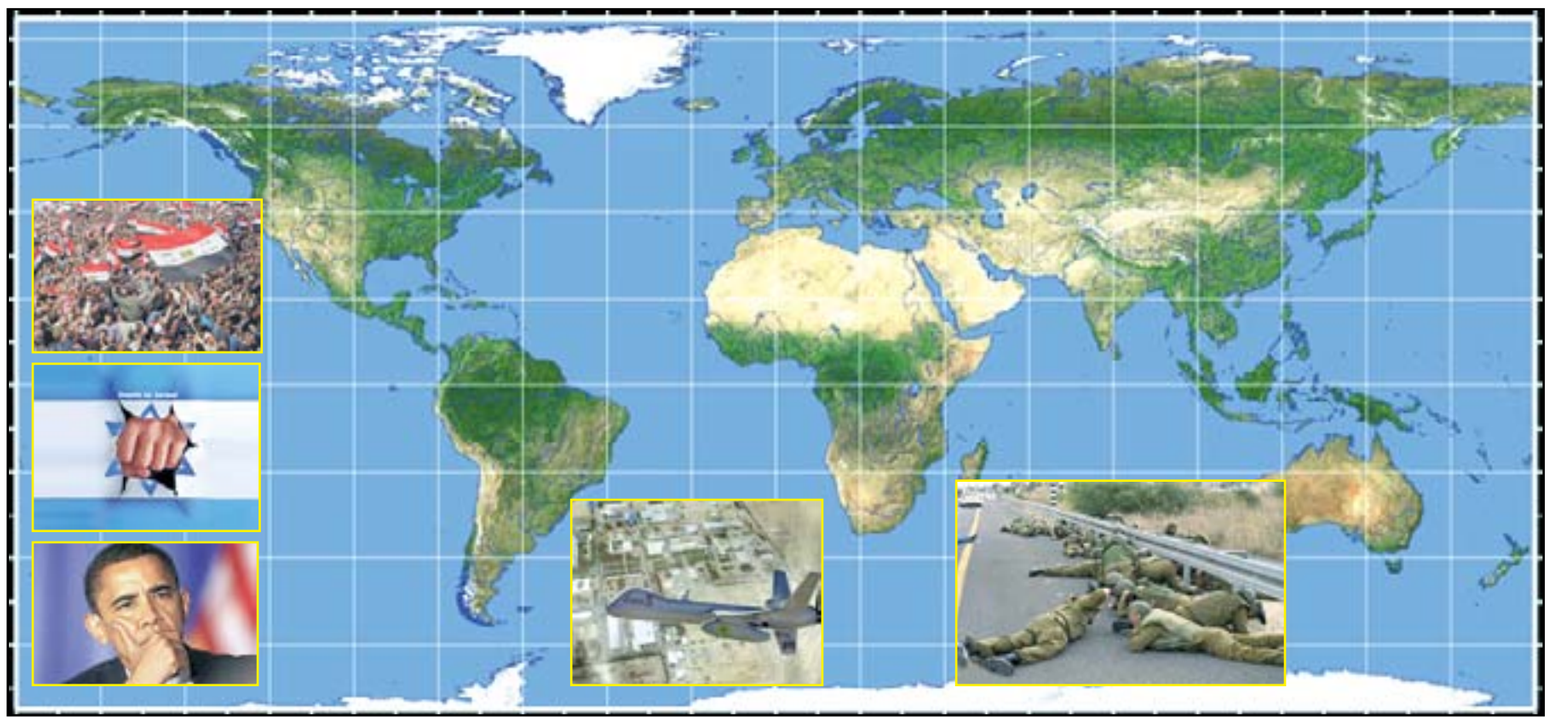

رویدادهای سیاسی جهان در سال ۱۳۹۱

بخش آخر

چالش‌های جدید اوباما

ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۹۱ با تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهمی مواجه شد. بخشی از این چالش‌ها به مسئله انتخابات ریاست جمهوری، بخشی به موضوع کشتار دانش‌آموزان و غیرنظامیان در جریان تیراندازی‌ها و بخش بعدی به صخره مالی و کسری شدید بودجه بازمی‌گردد که مقامات رسمی این کشور نیز بعضا به جدی بودن این چالش‌ها به صراحت اذعان کرده‌اند.
هر چند اوباما توانست طبق پیش‌بینی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری بر «میت رامنی»، رقیب جمهوریخواه خود پیروز شده و تکلیف پست کلیدی همچون وزارت خارجه را با سپردن به جای کری دموکرات مشخص کند اما تأخیر در تعیین تکلیف پست‌های حساسی چون وزارت دفاع و ریاست سیا، در برهه‌ای از زمان تبدیل به چالش مهمی برای اوباما در حوزه امنیت شد.
نوع موضع‌گیری‌های گذشته چاک هاگل، وزیر پیشنهادی اوباما برای تصدی ریاست پنتاگون درباره ایران و اسرائیل، در کنار موضوع همیشگی حملات پهپادهای آمریکایی به غیرنظامیان، از جمله مهمترین دلایل جمهوریخواهان برای رد این دو گزینه عنوان شده است. گزینه‌ای که برخی جمهوریخواهان دو آتشه برای جلوگیری از به قدرت رسیدنش ظاهرا هم قسم شده بودند!
قوانین سهل حمل سلاح که نتیجه آن این روزها به شکل کشتار تقریبا روزانه دانش‌آموزان و غیرنظامیان نمود یافته، دیگر چالش مهم آمریکای سال ۹۱ بود که همچنان ادامه دارد. شعارها و تلاش‌های اوباما برای تصویب قوانینی که حمل سلاح در برخی ایالات پرحادثه را کمی سخت‌تر کند نیز تاکنون نتیجه ملموسی نداشته و تظاهرات مردمی نیز در این بین راه به جایی نبرده است. سود سرشار لابی‌ها و صاحبان کارخانه‌های اسلحه‌سازی در کنار سخت بودن تغییر قانون اساسی در جامعه آمریکا مهمترین دلایل ناکامی سیاستمداران و مردم این کشور در مجاب کردن قانونگذاران به انجام اصلاحات در این زمینه است. نکته جالب توجه این که همزمان با افزایش خشونت‌ها، فروش سلاح در ایالات مختلف آمریکا به طرز

بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است! موضوعی که فقط خوشایند همان لابی‌ها و صاحبان کارخانه‌های اسلحه‌سازی است.
بحران مالی و کسری بودجه اما شاید مهمترین چالش آمریکایی‌ها در سال ۹۱ باشد که به نظر می‌رسد محدود به این سال نخواهد ماند. نگاهی به اظهارات مقامات بلندپایه نظامی و سیاسی آمریکا درخصوص عواقب کاهش بودجه در بخش‌های نظامی و... می‌تواند گوشه‌ای کوچک از این چالش بزرگ اقتصادی را به نمایش بگذارد.
همین چند روز پیش بود که جان کری، در نخستین سخنرانی رسمی خود در قامت وزیر خارجه آمریکا به کنگره این کشور نسبت به عواقب کاهش بودجه وزارت خارجه هشدار داد. جان کری برای این که بتواند «عواقب وخیم» کاهش ۲/۶ میلیارد دلاری کاهش بودجه در حوزه کاری خود را تفهیم کند گفت: چالش اصلی سیاست خارجی آمریکا نه قدرت‌گیری روز افزون چین یا افزایش ناامنی در خاورمیانه، بلکه خود کنگره است. وی سپس کاهش بودجه در وزارت خارجه را رسما یک «تهدید» عنوان کرد.
مقامات بلندپایه پنتاگون نیز در جلساتی که به تازگی برگزار کرده‌اند نسبت به کاهش بودجه پنتاگون و اثرات «جبران‌ناپذیر» آن هشدار داده‌اند. به گفته استراتژیست‌ها و ژنرال‌های چهار ستاره آمریکایی، کاهش نفوذ آمریکا و بیکاری شمار زیادی از نظامیان این کشور تنها گوشه‌ای از نتیجه اعمال این کسری بودجه برای پنتاگون و آمریکا خواهد بود.
چالش اقتصادی آمریکا البته به همین جا ختم نشده است. آمریکا چند ماهی است با بحران جدی با نام «صخره مالی» دست و پنجه نرم می‌کند. موضوع از این قرار است که کنگره تصمیم دارد برای مقابله با کسری بودجه و بحران اقتصادی، بودجه سال ۲۰۱۳ آمریکا را اصطلاحا «ریاضتی» ببندد. تصمیمی که با مخالفت و مقاومت دموکرات‌ها مواجه شده است.
آنطور که سایت شبکه تلویزیونی «یورو نیوز» نوشته، در صورت دستیابی جمهوریخواهان و دموکرات‌ها به توافق، کسری بودجه آمریکا در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۱۰۳۷ میلیارد دلار و در صورت عدم توافق، ۶۴۱ میلیارد دلار خواهد بود. یعنی در هر دو صورت آمریکا با کسری بودجه مواجه است!
اما ادامه این بن‌بست، اثرات منفی مستقیمی بر رشد اقتصادی و بیکاری خواهد داشت. طبق پیش‌بینی‌ها رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۳ آمریکا منفی ۰/۵درصد و میزان بیکاری نیز ۹/۱ درصد خواهد بود. در حال حاضر هیچ چشم‌انداز روشنی برای حل این بحران وجود ندارد و آخرین خبرها حاکی است اوباما در دور تازه تلاش‌های خود برای مجاب کردن جمهوریخواهان نیز شکست خورده است.

اروپا، سال شورش‌های اجتماعی

تحولات اقتصادی اروپا در سالی که گذشت، آنقدر حساس و مهم بود که ماهنامه فرانسوی «لوپوئن» فرانسه سال ۲۰۱۳ را سال شورش‌های اجتماعی در اروپا بداند.
در اروپا، اجرای پی‌درپی سیاست‌های سنگین ریاضتی (که به نوشته یورونیوز، اروپاییان برخی از این سیاست‌ها را به عمر خود ندیده‌اند) به امید یافتن راهی برای برون رفت از بحران، آنقدر تکرار شد که سرانجام قربانیان این سیاست‌ها وقتی نتیجه‌ای جز «بدتر شدن اوضاع» را ندیدند، با اضافه کردن اعتصاب‌های طولانی به تظاهرات خود به مبارزه با اتحادیه اروپا رفتند. طبیعتا ادامه این وضع می‌تواند در سال جاری به شورش‌های اجتماعی بدل شود!
اعتصاب ۱۵ روزه شرکت هواپیمایی- اسپانیایی- انگلیسی «ایبریا» که ۸دسامبر (۱۸اسفند) به پایان رسید، نمونه‌ای از این اعتصابات طولانی است که به نوشته رسانه‌های اسپانیایی علاوه بر لغو هزاران پرواز و سرگردانی ده‌ها هزار مسافر، میلیون‌ها یورو به اقتصاد ورشکسته این کشور زیان وارد کرد.
اعتصاب ۲ماهه کارکنان یکی از کارخانه‌های شرکت خودروسازی پژو سیتروئن فرانسه در اعتراض به برنامه اخراج ۸۰۰۰ کارگر، یکی دیگر از این اعتصاب‌های طولانی است که میلیون‌ها یورو به این خودروساز بزرگ اروپا تحمیل کرده است.
بیماری که اروپا چند سالی است به آن دچار شده، به تشخیص برخی متخصصان حوزه اقتصادی، ریشه در نظام سرمایه‌داری دارد. این بیماری، کل قاره اروپا را دچار برخی عوارض کرده که بعضا از خود بحران مالی می‌تواند خطرناک‌تر باشد. «بن‌بست سیاسی» یکی از عوارض جانبی است که این روزها ایتالیا با تمام وجود آن را لمس می‌کند و برخی مثل بلغارستان نیز احتمالاً طی همین هفته‌ها با آن رودررو خواهد شد.
ایتالیا به عنوان یکی از مهمترین کشورهای اتحادیه اروپا، اواخر فوریه گذشته انتخابات پارلمانی را پشت سر گذاشت. آرای خارج شده از صندوق‌ها اما، حقایق مهمی را به نمایش گذاشت که زنگ خطر آن در سرتاسر اروپا شنیده شد.
براساس اعلام منابع رسمی در این کشور، هیچ یک از احزاب شرکت‌کننده در انتخابات پارلمانی ایتالیا نتوانست حدنصاب لازم برای تشکیل کابینه را به دست آورد. در این گونه مواقع تشکیل دولت ائتلافی از سوی احزاب پیروز، راه‌حلی است که هرچند باعث روی کار آمدن دولت ضعیف می‌شود، اما به هرحال تکلیف کابینه و دولت مشخص می‌شود. اما اگر هیچ یک از احزاب حاضر به تشکیل ائتلاف نشوند چه؟! اینجاست که روش‌های دیگر مثل برگزاری انتخابات مجدد یا تشکیل دولت فنی (تشکیل دولت بدون توجه به آراء مردم) و... در دستور کار قرار می‌گیرد. هزینه‌های مادی، سیاسی و از همه مهمتر روانی بالای برگزاری انتخابات مجدد باعث شده رهبران این کشور این گزینه را منتفی اعلام کنند. دولت روی کار آمده از روش دوم، یعنی دولت فنی نیز طبیعتا بسیار ضعیف‌تر و شکننده‌تر از دولت ائتلافی خواهد بود و نمی‌توان امیدی به توانایی چنین دولتی برای خارج کردن کشور از چنین بحران مالی متصور بود. از سوی دیگر موضع‌گیری‌های اخیر صورت گرفته در این کشور نشان می‌دهد، به این زودی‌ها، نمی‌توان امید زیادی به خروج راحت ایتالیا از این بن‌بست خطرناک سیاسی داشت.

و اما در بلغارستان طی یکی دو ماه گذشته، اجرای سیاست‌های طاقت‌فرسای ریاضت اقتصادی و به دنبال آن شورش‌های اجتماعی باعث سقوط دولت شد. این کشور قرار است طی هفته‌های آتی با برگزاری انتخابات مجدد از بحران «بی‌دولتی» خارج شود. اما تقریبا تمام نظرسنجی‌های صورت گرفته در این کشور ضعیف اتحادیه اروپا نشان می‌دهد، مردم دل‌خوشی از احزاب سیاسی حاکم بر کشورشان ندارند، و احتمالا «صوفیه» به سرنوشت «رم» دچار خواهد شد.
«خاک فروشی» واقعیت تلخی است که برخی از کشورهای اروپایی این روزها به آن دچار شده اند. فروش۶ جزیره یونانی به امیر قطر آن هم به مبلغ ۸/۵ میلیون پوند (حدود۱۷ میلیون دلار) که هفته گذشته سروصدای زیادی در محافل خبری جهان به پا کرد، نشان می‌دهد، بحران اقتصادی اروپا، به تعبیر مقام معظم رهبری بسیار عمیق‌تر و پیچیده‌تر از چیزی است که اعلام می‌شود.
نکته مهمی که نباید از کنار آن به راحتی گذشت این است که، فقط کشورهای ضعیف اروپایی نیستند که به چنین وضعی گرفتار آمده‌اند. این روزها خبرهای زیادی از تظاهرات اعتراضی در قوی‌ترین عضو اتحادیه اروپا و منطقه یورو یعنی آلمان منتشر می‌شود. «بهبود شرایط کاری» و «افزایش حقوق به تناسب افزایش تورم»، اولین خواسته آلمانی‌هاست!

جعفر بلوری

ملت بحرین: پیروزی نزدیک است

تظاهرات مردم بحرین در مناطق مختلف این کشور همچنان ادامه دارد و مردم با تاکید بر اینکه خون شهیدان رژیم آل خلیفه را سرنگون خواهند کرد هر روز به خیابان‌ها آمده و سقوط نظام را فریاد می‌زنند.
۱۴ فوریه (۲۶بهمن ماه) دومین سالگرد انقلاب بحرین بود و مردم بحرین با حضور صدها هزار نفری خود در این تظاهرات عزم خود را برای سرنگونی رژیم بحرین به نمایش گذاشتند. هر چند این تظاهرات نیز همانند گذشته توسط ماموران امنیتی آل خلیفه به خاک و خون کشیده شد اما مردم بحرین این پیام را به آل خلیفه دادند که اصل، اراده مردم است و منبع تصمیم‌گیری آنان هستند و تا زمانی که مطالبات خود را به دست نیاورند خیابان‌ها را ترک نخواهند کرد.
مردم بحرین همچنین این پیام را به آل خلیفه وهمه جهانیان دادند که با رژیم جنایتکار بحرین مذاکره نخواهند کرد چرا که گفت و گو با رژیمی که دستش به خون مردم آغشته است معنا ندارد. رژیم آل خلیفه بیش از دو سال است که هیچ گاه پشت میز مذاکره واقعی ننشسته، موجودیت ملت را به رسمیت نشناخته و با شکنجه وسرکوب کمر به نابودی ملت بسته است پس چگونه می‌تواند انتظار همکاری و گفت‌وگو با مردم را داشته باشد؟ مردم بحرین به این نتیجه رسیده‌اند که تنها راه برای مقابله با رژیمی که فقط زبان زور می‌فهمد انقلاب است و تغییرات موردنظر آنان صرفا با تغییر نظام تامین می‌شود. بحرینی‌ها همچنین می‌دانند که فقط با نظام آل خلیفه مقابله نمی‌کنند بلکه کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا، انگلیس، فرانسه و کشورهای عربی حامی و پشتیبان اصلی رژیم آل خلیفه هستند و پول و سلاح برای این رژیم مستبد فراهم می‌کنند.

۹۰ درصد نیروهای امنیتی و ارتش این کشور غیربحرینی هستند و ۱۰ درصد باقیمانده نیز اهل سنت هستند.
همچنین آمریکا و انگلیس با رژیم آل خلیفه توافقنامه‌های محرمانه نظامی دارند و به این کشور تسلیحات صادر می‌کنند.
از سوی دیگر کارشناسان نظامی انگلیس به بحرین آمده‌اند و برای سرکوب معترضان به حکومت آل خلیفه مشاوره می‌دهند، با این شرایط است که رژیم آل خلیفه تاکنون به سرکوبگری‌ها واعمال خشونت‌آمیز خود نسبت به معترضان ادامه داده است در حالی که اگر کمک‌های غرب و برخی از سران و مرتجع عرب منطقه نبود انقلاب بحرین نیز همچون دیگر انقلاب‌های منطقه خاورمیانه زودتر از اینها به بار می‌نشست. آنچه پیش رو است حاکی از آن است که پیروزی انقلاب بحرین نزدیک است.

فریده شریفی

«اون» راه «ایل» را می‌رود

کره شمالی سال بسیار پرتنشی را پشت سرگذاشت در حالی که اکثر تحلیل‌گران بر این باور بودند که «کیم جونگ اون» رهبر ۳۲ ساله و جوان کره که در اواخر سال ۲۰۱۱ جانشین پدرش «کیم جونگ ایل» شد تغییراتی را در سیاست داخلی، سیاست خارجی و به ویژه سیاست هسته‌ای کشور اعمال خواهد کرد ولی در عمل تغییرات چندانی رخ نداد و درست در نقطه مقابل به اقداماتی دست زد که تنش‌ها را در شبه جزیره کره تشدید کرد. کره شمالی ۲۵ فروردین ۹۱ به مناسبت صدمین سال تولد رهبر پیشین این کشور ماهواره‌ای را با یک موشک دوربرد به فضا پرتاب کرد که واکنش شدید شورای امنیت و کشورهای ژاپن و کره جنوبی را به دنبال داشت. شورای امنیت تهدید کرد که تحریم‌های جدیدی را علیه پیونگ یانگ اعمال خواهد کرد. در مقابل کره شمالی نیز رسما اعلام کرد که دیگر به توافقنامه هسته‌ای خود با آمریکا پایبند نیست و به ارسال ماهواره‌های بیشتر به فضا ادامه خواهد داد.
شبه جزیره کره هنوز از شوک این آزمایش موشکی خارج نشده بود که کره شمالی دومین موشک دوربرد حامل ماهواره خود را در ۲۲ آذرماه از مرکز فضایی «سوهانه» به فضا پرتاب و همه را غافلگیر کرد. پنتاگون تائید کرد که ماهواره کره شمالی در مدار زمین قرار گرفته است.
واکنش شورای امنیت به ایـن اقدام پیونگ یانگ شدیدتر بود و قطعنامه‌ای با رای هر ۱۵ عضو دائم و غیردائم شورا در محکومیت آزمایش موشکی کره شمالی تصویب شد که به موجب آن تحریم‌های جدیدی علیه این کشور اعمال شد. در مقابل وزارت خارجه کره شمالی نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که از مذاکرات هسته‌ای شش جانبه خارج شده و توان هسته‌ای خود را افزایش خواهد داد.

کره شمالی در ۲۴ بهمن ماه سومین شوک خود را به غرب وکشورهای منطقه وارد کرد و یک آزمایش هسته‌ای زیرزمینی را در استان «هام گیونگ» در نزدیکی سایت «پیونگی ری» انجام داد. مقامات کره شمالی انجام آزمایش هسته‌ای اخیر، که از نظر توان انفجاری تقریبا دوبرابر آزمایش‌های پیشین بود، را در راستای پاسخگویی به اقدامات ایالات متحده در افزایش تحریم‌ها علیه خود اعلام و تهدید کردند که با تداوم بخشیدن به این گونه آزمایش‌ها و آزمایش‌های موشکی توان تهاجمی خود را به حدی خواهند رساند که بتوانند سواحل غربی خاک اصلی ایالات متحده را هدف قرار دهند.
واکنش بین‌المللی به آخرین آزمایش هسته‌ای کره‌شمالی طبق معمول شدید بوده و شورای امنیت طی بیانیه‌ای به صورت اجماع این اقدام را محکوم کرده و عنوان کرد که قطعنامه تازه‌ای را علیه این اقدام در دست بررسی دارد که می‌تواند تحریم‌های شدیدتری را علیه کره‌شمالی در پی داشته باشد.
در مورد منطق هسته‌ای کره‌شمالی و اهداف پیونگ یانگ از این اقدامات نظرات گوناگونی مطرح است.
۱- اعلام استقلال کره از چین در تصمیم‌گیری سیاست خارجی و داخلی، چرا که این آزمایش هسته‌ای بامخالفت صریح چین و روسیه دو متحد کلیدی پیونگ یانگ روبه‌رو شد.
۲- نمایش قدرت رهبر جوان این کشور در عرصه داخلی و منطقه‌ای برای این که وی نیز کاریزمای پدر و پدربزرگش را کسب کند و خود را رهبر مقتدری نشان دهد.
۳- بزرگ جلوه دادن خطر دشمن خارجی و ایجاد همبستگی و اتحاد ملی بین مردمی که زیر شدیدترین فشارها و تحریم‌های غرب به سر می‌برند برای جلوگیری از شورش‌های اجتماعی.
۴- یاس و ناامیدی از آمریکا و غرب در وعده‌هایی که به این کشور داده بودند و هیچ کدام عملی نشد.
۵- احساس تهدید جدی از آمریکا و متحدین منطقه‌ای آن یعنی ژاپن و کره‌جنوبی نسبت به حمله نظامی و سعی در تقویت توان نظامی و هسته‌ای بازدارنده و نمایش قدرت به منظور منصرف کردن دشمن از حمله احتمالی.
به هر حال این اقدامات کره‌شمالی باعث توجیه‌پذیری حضور نظامی بیشتر آمریکا در شبه جزیره کره شده و تنش‌ها را افزایش خواهد داد در صورتی که این روند ادامه پیدا کند به احتمال زیاد ما سال آینده شاهد یک سال پرتنش در منطقه خواهیم بود که حتی ممکن است به حالت انفجار نیز برسد.

سید محمد امین آبادی

فرانسه در باتلاق مالی

عملیات لشکرکشی فرانسه به کشور آفریقایی مالی به بهانه مبارزه با تروریسم شاید مهمترین حادثه در سالی که گذشت درقاره سیاه باشد.
فرانسه که از سابقه استعماری در قاره آفریقا برخوردار است در روز ۱۱ ژانویه سال ۲۰۱۳ میلادی با دور زدن سازمان ملل متحد و بدون توجه به افکار عمومی، اقدام به مداخله یکجانبه در کشور مالی کرد تا به منابع زیرزمینی این کشور و از آن جمله اورانیوم دست یابد.
در ماه ژانویه و فوریه که او اوج لشکرکشی و عملیات گسترده نظامی فرانسه در مالی بود، هزاران سرباز فرانسوی با ساز و برگ نظامی اقدام به پیشروی به سوی شهرهای تحت سیطره جنگجویان اسلامی در صحرای شمالی این کشور کردند.
گروه‌های مسلح شورشی در صحرای مالی نیز در واکنش به دخالت فرانسه و آمریکا تهدید کردند که اقدام به یک جنگ تمام عیار کرده و منطقه را به آتش خواهند کشید.
در زمینه سیاسی شورای امنیت سازمان ملل اگرچه استفاده از نیروهای نظامی برای مداخله در مالی را تنها در صورتی مجاز دانسته بود که تلاش‌های سیاسی به سرانجام و نتیجه نرسد، اما در مقابل این لشکرکشی فرانسه سکوت اختیار کرد.
«بان کی مون» دبیرکل سازمان ملل متحد در ۲۷ ژانویه سال ۲۰۱۳ میلادی در گفت‌وگویی تصریح کرد: سازمان ملل متحد از دخالت فرانسه در مالی استقبال می‌کند، اما خود دخالت نظامی نخواهد کرد.
دبیرکل سازمان ملل این را هم متذکر شد که شورای امنیت در چند ماه گذشته همواره در حال بررسی دخالت نظامی در مالی برای سرکوب شورشیان مسلح و خارج کردن گروه‌های تندروی اسلامگرا از شمال آن کشور بوده‌است.
مشاور رئیس جمهور مالی همسو با دبیرکل سازمان ملل با استقبال از مداخله نظامی فرانسه در شمال کشورش گفت: ما از جامعه بین‌المللی سپاسگزاریم که به اجماعی درباره اوضاع سیاسی مالی دست یافته است. این اظهارات در حالی عنوان شد که پیش از این «کاخ الیزه» حکومت وقت مالی را کودتاگر و غیردموکراتیک خوانده و همکاری نظامی را با آن قطع کرده‌بود.
کشورهای غرب آفریقا موسوم به «اکواس» در واکنش به تحولات مالی اقدام به اعزام ۳۳۰۰ نیرو و تجهیزات نظامی به این کشور کردند تا در کنار فرانسه بر ضد جنگجویان اسلامی وارد عمل شوند.
عملیات نظامی گسترده فرانسه در مالی اگرچه در ابتدا باعث کسب پیروزی‌هایی برای آن شد اما در ادامه و نفوذ ارتش به قلب صحرای مالی کار گره خورد و مسئولان فرانسوی از تبدیل‌شدن این کشور آفریقایی به یک افغانستان دیگر هراسناک شدند.
«فرانسوا اولاند» رئیس جمهور فرانسه در جمع خبرنگاران در فستیوال تابستانی دبی گفت: عملیات ارتش فرانسه در مالی تا زمانی که لازم باشد ادامه خواهد یافت، اگرچه او به خوبی می‌داند قادر به شکست‌دادن کامل جنگجویان اسلامی در این کشور آفریقایی نخواهد بود.

محمد معرفی

جنگ تروریست‌ها علیه شیعیان در پاکستان

درسال جاری همه تحولات سیاسی پاکستان تحت‌الشعاع حملات تروریستی قرار داشته است و در این حملات نیز جامعه ۲۰درصدی شیعی متحمل تلفات زیادی شده‌اند.
هرچند عناصر طالبان با شیعیان خصومت عمیقی دارند، ولی در سال جاری خونین‌ترین حملات ضد شیعی به دست عناصر تروریستی «لشکر جهنگوی» صورت گرفته است.
این گروه که تحت حمایت عربستان قراردارد و به بی‌رحمی معروف است، فعالیت‌های خود را علاوه بر کراچی در شهر «کویته» مرکز ایالات بلوچستان نیز متمرکز کرده است.
طی امسال از مجموع حدود ۲۵ حملات تروریستی پر تلفات علیه غیرنظامیان حدود ۱۲ مورد آن درکراچی و بیش از ۶ مورد در کویته روی داده است.
یکی از خونین‌ترین حملات تروریستی عناصر جهنگوی علیه شیعیان کویته اواخر بهمن رخ داده است. این انفجار که در بازار رخ داده بود، جان ۸۷ نفر را گرفته و حدود ۲۰۰ تن را مجروح کرده است. البته ناگفته نماند که محکومیت گسترده این انفجار تروریستی، به یک اعتراض بزرگ ملی تبدیل شده بود.
در کل باید گفت اغلب حملات تروریستی در مثلث پیشاور- کویته- کراچی سال ۱۳۹۱ علیه شیعیان صورت گرفته است.
علاوه بر حملات تروریستی زمینی، حملات تروریستی هوایی هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا به نوار قبایلی شمال غرب پاکستان نیز سال جاری ادامه داشت. خونین‌ترین این حملات چهار مورد بود که ۱۵ اردیبهشت، اول مرداد، پنج شهریور و ۲۲ مهر رخ داد و جمعا دست کم جان۶۲ شهروند غیرنظامی پاکستانی را گرفت.
در این مدت تظاهرات و اعتراضات مردم پاکستان به این حملات، نه تنها نتیجه‌ای نداشت، بلکه کاخ سفید در تاریخ ۱۲ اردیبهشت رسما اعلام کرد که حملات هواپیماهای بدون سرنشین به پاکستان حق قانونی آمریکاست!

پاکستان در چارچوب رقابت تسلیحاتی دیرینه‌ای که با هند دارد، طی سال جاری بیش از پنج مورد آزمایش موشکی داشت.
از جمله آزمایش‌های مهم، آزمایش موشک بالستیک با برد ۱۳۰۰ کیلومتر بود که اوایل آذر انجام شده است.
از جمله وقایع جالب سال جاری پاکستان این بود که طی ماه‌های آذر و دی نام «طاهر القادری» روحانی معترض پاکستانی به یکباره رسانه‌ای شد.
القادری که چند سال پیش در اعتراض به اقدامات «پرویز مشرف» رئیس جمهور وقت پاکستان، از مجلس استعفاء داده و به کانادا رفته و حتی تابعیت این کشور را گرفته بود، به موطن اولیه‌اش بازگشت و با شعار مبارزه با فساد، توانسته بود هزاران پاکستانی را با خود همراه کند و یک راهپیمایی طولانی از لاهور تا اسلام‌آباد راه بیندازد.
القادری در اسلام‌آباد حملات تندی را متوجه حکومت کرد و متعاقب آن در پی مذاکراتی که با مقامات دولتی انجام داده بود، خود را پیروز این مذاکرات دانست و از هوادارانش خواست به اعتراضات پایان دهند و به یکباره همه چیز پایان یافت. کارشناسان پدیده «القادری» را محصول نابسامانی و فساد گسترده سیاسی در پاکستان می‌دانند.

اردوغان؛ به نام اسلامگرایی به کام غرب

دولت ترکیه سال جاری شمسی را در حالی آغاز کرد که کاملا از شعارهای انتخاباتی اولیه خود فاصله گرفته بود؛ شعارهایی مثل اسلامگرایی و مبارزه با صهیونیستم که مردم به آنها دل خوش کرده بودند، کم رنگ شده و در عوض، مقامات آنکارا خود را به دولت‌های قطر و عربستان در منطقه نزدیک کردند و به طرز بی‌سابقه‌ای در امور داخلی سوریه دخالت نمودند واین دخالت را به داخل عراق نیز گسترش دادند.
این مداخلات به وضوح عبور از اسلامگرایی را در مورد دولتی نشان می‌دهد که خود زمانی با همین شعار اسلامگرایی به قدرت رسیده بود.
جالب است که دولت ترکیه حتی پس از به قدرت رسیدن، به مطالبات اولیه مردم مسلمان این کشور مثل لغو ممنوعیت حجاب و مبارزه با نمادهای سکولاریسم بی‌توجهی کرده است. طی سال جاری مردم ترکیه در مخالفت با ممنوعیت حجاب در ادارات و مدارس اعتراض و تظاهرات کردند، که اولین آن نهم اردیبهشت اتفاق افتاده بود. زنان عضو حزب حاکم (عدالت و توسعه) خواستار پایان دادن به سکولاریسم و ممنوعیت حجاب شده بودند و آخرین مورد هم در جمع‌آوری ۱۰میلیون امضاء در اواخر بهمن جهت لغو ممنوعیت حجاب مربوط می‌شود.

تقریبا همه دیگر تحولات مهم سال جاری به همین استراتژی مقامات آنکارا ربط پیدا می‌کند و در این میان تنها استثناء، دستگیری و محاکمه افسرانی که در کودتای ۱۹۹۶ علیه دولت «نجم‌الدین اربکان» نقش داشته‌اند و جنگ با «پ.ک.ک» است.
بدین ترتیب، رخدادهای مهم ترکیه طی سال جاری یا اقدامات مقامات آنکارا در چارچوب استراتژی همکاری با غرب و ناتو بود؛ مثل استقرار موشک‌های پاتریوت ناتو در خاک ترکیه و مداخله در سوریه؛ یا واکنشی بود که مردم و احزاب مخالف به این استراتژی از خود نشان داده‌اند.
درگیری نیروهای ارتش با عناصر حزب کارگران کرد ترکیه (پ.ک.ک) هم که یک امر مستمر و مداوم است؛ امری که در گذشته بوده و در آینده نیز احتمالا خواهد بود.
در مخالفت با مداخله در سوریه و سیاست‌های غربگرایانه اردوغان، بارها تظاهرات مردمی برگزار شد و علاوه بر آن، احزاب مخالف به ویژه حزب سعادت» و نمایندگان مجلس بارها حزب حاکم را مورد انتقاد قرار داده‌اند.
براساس یک نظرسنجی که ۱۹ مهر منتشر شده بود، ۹۰ درصد مردم ترکیه با مداخله این کشور در سوریه مخالف بوده‌اند. به گفته یک رهبر مخالف دولت ترکیه، در این کشور حدود ۲۶ پایگاه نظامی متعلق به ناتو وجود دارد.
مسئله استقرار ۶ سیستم موشکی پاتریوت ناتو در خاک ترکیه و مداخله آنکارا در امور داخلی سوریه، محبوبیت حزب عدالت و توسعه به ویژه شخص اردوغان را در میان اقشار مختلف مردم ترکیه به شدت کاهش داده است.
کشورهای همسایه مثل ایران و روسیه نیز بارها در مورد استقرار موشک‌های پاتریوت در ترکیه اعلام نارضایتی کرده‌اند.
به اعتقاد ناظران، علت همسویی مقامات ترک با ناتو و آمریکا، پیوستن این کشور به اتحادیه اروپاست. به نظر می‌رسد همانطور که مقامات روس در طول قرن نوزدهم تلاش می‌کردند وصیت «پطرکبیر» را در مورد دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس عملی کنند، مقامات ترک نیز همه تلاش خود را برای پیوستن به اتحادیه اروپا به کار گرفته‌اند تا تمایل شدید «مصطفی کمال پاشا» (آتاتورک) در مورد اروپایی شدن تحقق یابد.

سبحان محقق